

حتی چنانچه به معتقدات مذهبی پای بند باشد و به نظامات فرهنگی جامعه‌ای که علی‌الظاهر بدان تعلق دارد احترام بگذارد، پس از مدتی که مورد بی‌مهری جامعه و بی‌تفاتی اطرافیان و بی‌توجهی مسؤولان و بی‌عدالتی تشکیلات قرار گرفت و خود را در کنار التذاذ و بهره‌مندی دیگران محروم و گرسنه یافت به‌لحاظ فرهنگی و اندیشه استحاله گردیده و سلولهای وجود او تغییر ماهیت می‌دهد و عنقریب از آن انسان بیکار آرام و بیگناه دیروز مولودی متولد می‌گردد که برخلاف گذشته از ارتکاب گناه، مزاحمت برای دیگران، سرقت و جنایت و هر بزه دیگری روگردان نخواهد بود. شخص بیکار مآلاً برای رهایی از همه مسخره‌گیهای زندگی ناچاراً به دامن ناپاک اعتیاد، این غم‌انگیزترین تراژدی جهل و خودباختگی سر خواهد گذاشت تا به کمک این افیون از جامعه‌ای که در بحرانی‌ترین لحظات زندگی درکش نکرده و بر زخم بیکاری او مرهم ننهاد، انتقام بگیرد. از این

فقر و بیکاری دو روی یک سکه هستند؛ انسانهای فقیر و خانواده‌های تهیدست نه بدان جهت فقیر هستند که انسانهایی تنبل، بی‌عرضه و بی‌استعدادند؛ بلکه به این دلیل در چنگال و سلسله عفریت فقر اسیر گشته‌اند که جامعه هرگز فرصت بروز و ظهور استعدادهای آنان را در عرصه اشتغال مورد علاقه فراهم نکرده است. هر انسانی که از این موهبت اجتماعی محروم شد، گویی جامعه او را از تمامی مواهب الهی محروم و به‌گونه‌ای مدرن زنده به گور کرده است. از آنجایی که انسان بیکار قادر به تمشیت امور مادی زندگی از قبیل خوراک و پوشاک و انتخاب همسر و فراهم نمودن اسباب آرامش روحی برای خویش نیست، در بین اقوام و نزدیکان، انسان بی‌هویتی است که شرف، شأن و اعتبار او در چرخه حیات به‌دست زیاده‌طلبان و رباخواران و آنان که سرمایه‌های جامعه را در تولید به کار نمی‌گیرند از بین رفته است. عنصر بیکار

بیکاری از شوم‌ترین و خطرناک‌ترین پدیده‌های عصر کنونی و زاییده ماشینیسم و اتوماسیون سوپر مدرن دنیای سرمایه‌سالاری کنونی است. پدیده بیکاری تا آن زمان که به‌شکل عنصری بسیط و پراکنده در حاشیه جوامع حضور دارد، خطری جدی متوجه امنیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سلامت جامعه نیست، لیکن چنانچه پدیده یادشده کم‌اهمیت تلقی شده و این عناصر بسیط بیکار در کانون توجهات و برنامه‌ریزی اشتغال جامعه قرار نگیرند، رفته‌رفته به گروههایی متشکل و تکثیر یافته تبدیل شده و به تدریج سلامت و امنیت آن جامعه در معرض تهدید جدی قرار خواهد گرفت. بیکار مظلوم‌ترین انسان عصر کنونی است، زیرا جامعه بر اثر خودپسندی، زیاده‌طلبی و بی‌عدالتی، طبیعی‌ترین حقوق خدادادی او یعنی فرصت بروز استعداد و خلاقیت‌های کاری و ادامه حیات شرافتمندانه و در یک کلام «فرصت اشتغال» را از او ربوده است.



لحظه به بعد این عنصر استحاله شده، دیگر یک فرد بیکار ساده نیست؛ یک بمب ساعتی کوک شده است که چاشنی انفجار آن رخدادهای آتی ناشی از غفلت و نادانی مدیران جامعه خواهد بود، انفجاری که هر تکه از ترکش آن رکنی از ارکان اجتماع را آسیب پذیر خواهد نمود. برآستی آن انسانی

که در بیکار بودن خود هیچ نقشی نداشته است به کدامین گناه بایستی از طبیعی ترین حق حیات یعنی «فرصت اشتغال» محروم شود.

اگر به جوامع پیشرفته دنیا بنگریم، صرف نظر از میزان پیشرفت صنعتی و توسعه یافتگی و بزرگ و کوچک بودن، با

دقت در آمار اشتغال و بیکاری آنها در می یابیم آن کشورهایی که نرخ بیکاری آنها در مقایسه با سایر کشورها پایینتر است، شاخص عدالت اجتماعی در آنها بالاتر بوده و فقر چهره پنهانتری دارد. بدون تردید جمهوری اسلامی ایران که بزرگترین پرچمدار عدالت اجتماعی و

اگر به جوامع پیشرفته دنیا بنگریم، صرف‌نظر از میزان پیشرفت صنعتی و توسعه‌یافتگی و بزرگ و کوچک بودن، با دقت در آمار اشتغال و بیکاری آنها در می‌یابیم آن کشورهای که نرخ بیکاری آنها در مقایسه با سایر کشورها پایینتر است، شاخص عدالت اجتماعی در آنها بالاتر بوده و فقر چهره پنهانتری دارد.

تمامی ارزیابیها و نظرسنجیهای که اخیراً در ارتباط با نگرانیهای عموم مردم ساکن در کشورهای عضو جامعه اروپا به‌عمل آمده مؤید این نکته مهم است که در دهه کنونی موضوع اشتغال در کانون توجهات شهروندان این جامعه قرار دارد.

فقرزدایی جامعه جز با محوری کردن اشتغال امکان پذیر نخواهد بود؛ محوری نمودن اشتغال نیز در گرو برنامه‌ریزی کلان دستگاههای مختلف و به‌صورت مشارکتی عملی خواهد بود.

از دیدگاه عموم مردم این جامعه اجرای هرگونه طرحی اعم از توسعه و گسترش برنامه‌های خاص در عرصه بیکاری با بیکاری، ایجاد و آفرینش فرصتهای شغلی، طراحی فضای مناسب در راستای دسترسی زنان و اقلیتهای مهاجر به فرصتهای مساوی برای احراز مشاغل گوناگون، مهم و درخور توجه تلقی می‌گردد. در دوره‌های زمانی که نگرانیهای مردم این جامعه در ارتباط با اشتغال و بیکاری از ضریب حساسیت بالاتری برخوردار بوده است، توسط دستگاههای مسأله اشتغال و بیکاری محک زده شده و

باروری، رشد و بکارگیری این‌گونه قابلیت‌های نهفته به‌عنوان گنجینه‌ای از سرمایه‌های عظیم نیروی انسانی خواهد بود. فقرزدایی جامعه جز با محوری کردن اشتغال امکان پذیر نخواهد بود؛ محوری نمودن اشتغال نیز در گرو برنامه‌ریزی کلان دستگاههای مختلف و به‌صورت مشارکتی عملی خواهد بود. شایسته است که شعار تولید با هدف توسعه در دولت آتی جای خود را به شعار «تولید با هدف اشتغال» بدهد. بدون تردید جامعه‌ای به عدالت اجتماعی، رفاه نسبی و امنیت اقتصادی نزدیکتر خواهد بود که از نرخ بیکاری پایینتری برخوردار باشد. اهداف عالی حکومت اسلامی به‌منظور زدودن فقر و مسکنت از چهره میهن اسلامی و تحقق بخشیدن به عدالت اجتماعی و برپایی قسط و بارور نمودن امید در دل جوانان و رفع تشویش و نگرانی از ضمیر این سرمایه‌های ارزشمند انسانی بدون تردید نیازمند اجرای موفقیت‌آمیز برنامه اشتغال کلان کشور بوده و از ناحیه دولتمردان ضریب اهمیت قابل توجهی را می‌طلبد.

برپاکننده قسط الهی است، نمی‌تواند در مقابل گسترش پدیده فقر و بیکاری بی تفاوت باشد.

ریشه‌کن کردن فقر و پایان بخشیدن به دور باطل و تسلسل شیطنانی این پدیده در خانواده‌های فقیر، جز با فراهم نمودن فرصتهای شغلی متناسب با توانمندیهای فکری و یدی آنها امکان پذیر نیست.

ریشه‌کن کردن فقر و پایان بخشیدن به دور باطل و تسلسل شیطنانی این پدیده در خانواده‌های فقیر، جز با فراهم نمودن فرصتهای شغلی متناسب با توانمندیهای فکری و یدی آنها امکان پذیر نیست.

عدالت اجتماعی در یک جامعه اسلامی به‌دور از چگونگی رابطه‌ها و مرتبه شغلی و موقعیت اجتماعی همگان و صرفاً بر اساس ضابطه‌های قانونمند، عبارت از فراهم نمودن فرصتهای یکسان شغلی در مقابل استعدادهای برابر در راستای

شایسته است که شعار تولید با هدف توسعه در دولت آتی جای خود را به شعار «تولید با هدف اشتغال» بدهد.



۴- نرخ عمومی مشارکت: عبارت است از:

$$\frac{\text{جمعیت فعال}}{\text{کل جمعیت}} \times 100$$

۵- بار تکفل: عبارت است از:

$$\frac{\text{کل جمعیت}}{\text{جمعیت شاغل}} \times 100$$

نگاهی به جدول شماره (۱) مشاهده می‌کنیم که در دوره زمانی (۶۵-۱۳۵۵) که نرخ رشد جمعیت بسیار چشمگیر و از ۲/۷۱ درصد به ۳/۹۱ درصد افزایش یافته بود، به تبع آن جمعیت فعال یا عرضه نیروی کار نیز دارای افزایش قابل توجه بوده و از ۹۷۹۶۰۰۰ نفر به ۱۲۸۲۱۰۰۰ نفر فزونی یافته و از نرخ رشد ۳/۵ درصد برخوردار بوده است؛ نتیجتاً نرخ بیکاری رو به افزایش گذارده و از ۱۰/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۴/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده و به همین ترتیب بار تکفل خانوار نیز از ۲/۸ به ۳/۵ در پایان این دوره رسیده بود. در فصل جمعیت‌شناسی که به تفصیل به تحلیل روند تغییرات

قبل از هر چیز، تعاریف مورد استفاده در مبحث نیروی کار یادآوری می‌گردد:

۱- نیروی کار (labour force) یا جمعیت فعال اقتصادی: بر حسب تعاریف مراکز آمار کشورها، به تمامی افراد شاغل و یا بیکاران در جستجوی کار واقع در سنین ۱۰ سالگی به بالا، نیروی کار یا جمعیت فعال اقتصادی اطلاق می‌گردد:

(نیروی کار) = بیکاران در جستجوی کار +

شاغلین

۲- نرخ بیکاری: نرخ بیکاری

$$\frac{\text{جمعیت فعال}}{\text{جمعیت بیکار}} \times 100$$

۳- نرخ خالص مشارکت

عبارت است از:

$$\frac{\text{جمعیت فعال}}{\text{جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر}}$$

پاسخهای ثبت شده آماری حتی در مورد مصاحبه‌شونده‌های مسن حاکی از آن است که ۸۵٪ مردم این جامعه از کلیه گروهها و طبقات اقتصادی - اجتماعی اعم از مردان و زنان و جوانان در رابطه با ضرورت گسترش و توسعه برنامه‌ها و اجرای پروژه‌های مشترک علیه پدیده بیکاری با کمک و همیاری فعالانه کلیه کشورهای عضو به‌عنوان یک اولویت کلیدی در مسأله اشتغال و بیکاری سخن گفته‌اند.

در نظرخواهی‌هایی که به منظور مبارزه مشترک علیه بیکاری، ایجاد و تدارک فرصتهای شغلی بیشتر برای پیدا کردن کار در هر نقطه‌ای از جامعه اروپا، ایجاد فرصتهای برابر برای اشتغال زنان و مردان و ایجاد فرصتهای یکسان برای اشتغال مهاجرین و اقلیتهای از افراد مصاحبه‌شونده به‌عمل آمده، ۹۱٪ مصاحبه‌شونده‌ها از کشور یونان، ۹۰٪/۸۹٪ نظردهنده‌ها از کشور ایتالیا و ۸۸٪ از کشورهای فرانسه و ایرلند به‌عنوان یک اولویت کلیدی نام برده‌اند و کشور دانمارک تنها کشور عضوی بوده است که تنها ۶۴٪ از کل مصاحبه‌شونده‌ها از توسعه برنامه‌های مشترک اشتغالزایی به‌عنوان یک اولویت کلیدی یاد کرده‌اند.

جدول شماره (۱) تعداد و نسبت نیروی کار ۱۰ ساله به بالا و تعداد و درصد شاغلان و بیکاران (هزار نفر)

بار تکفل (نفر)	جمعیت فعال (شاغل + بیکارجویای کار)					جمعیت ۱۰ ساله به بالا	جنس	سال
	نرخ بیکاری	بیکاران	شاغلان	نرخ مشارکت	جمعیت فعال			
—	۱۰/۲	۹۹۷	۸۷۹۹	۲۲/۶	۹۷۹۶	۲۳۰۰۳-۲	جمع	
۲/۸	۹/۱	۷۶۰	۷۵۸۷	۷۰/۸	۸۳۴۷	۱۱۷۹۶	مرد	۱۳۵۵
—	۱۶/۴	۲۳۷	۱۲۱۲	۱۲/۹	۱۴۴۹	۱۱۲۰۶	زن	
—	۱۴/۲	۱۸۱۹	۱۱۰۰۲	۳۹/۰	۱۲۸۲۱	۳۲۸۷۴	جمع	
۳/۵	۱۲/۹	۱۴۸۶	۱۰۰۲۶	۶۸/۴	۱۱۵۱۲	۱۶۸۴۱	مرد	۱۳۶۵
—	۲۵/۴	۳۳۳	۹۷۶	۸/۲	۱۳۰۹	۱۶۰۳۳	زن	
—	۱۱/۱	۱۶۴۰	۱۳۰۹۷	۳۸/۱	۱۴۷۳۷	۳۸۶۵۵	جمع	
۳/۴	۹/۵	۱۲۴۲	۱۱۸۶۶	۶۵/۵	۱۳۱۰۸	۱۹۹۹۷	مرد	۱۳۷۰
—	۲۴/۴	۳۹۸	۱۲۳۱	۸/۷	۱۶۲۹	۱۸۶۵۷	زن	

جمعیت و نرخ مشارکت واقعی جمعیت در طول دوره پنج ساله بسیار جزئی و بیانگر این نکته مهم است که روند رشد جمعیت فعال کشور با رشد جمعیت کل و جمعیت ۱۰ ساله به بالای کشور هماهنگ بوده و با یکدیگر همخوانی داشته‌اند.

جمعیت شاغل نیز در طول این دوره از رشد نسبتاً خوبی برخوردار بوده و نرخ بیکاری جمعیت فعال از ۵/۸ در سال ۱۳۷۳ به ۸/۹ در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است. با نگاهی به تصویر نرخ بیکاری در کشورهای اروپایی (جدولهای ۳ و ۴) و مقایسه آن با نرخ بیکاری کشورمان در طول برنامه دوم توسعه اقتصادی علی‌رغم نگرانی مسئولان امر اشتغال در مقایسه با شاخصهای بیکاری مربوط به سایر کشورها دارای انحراف قابل سرزنشی نیست.

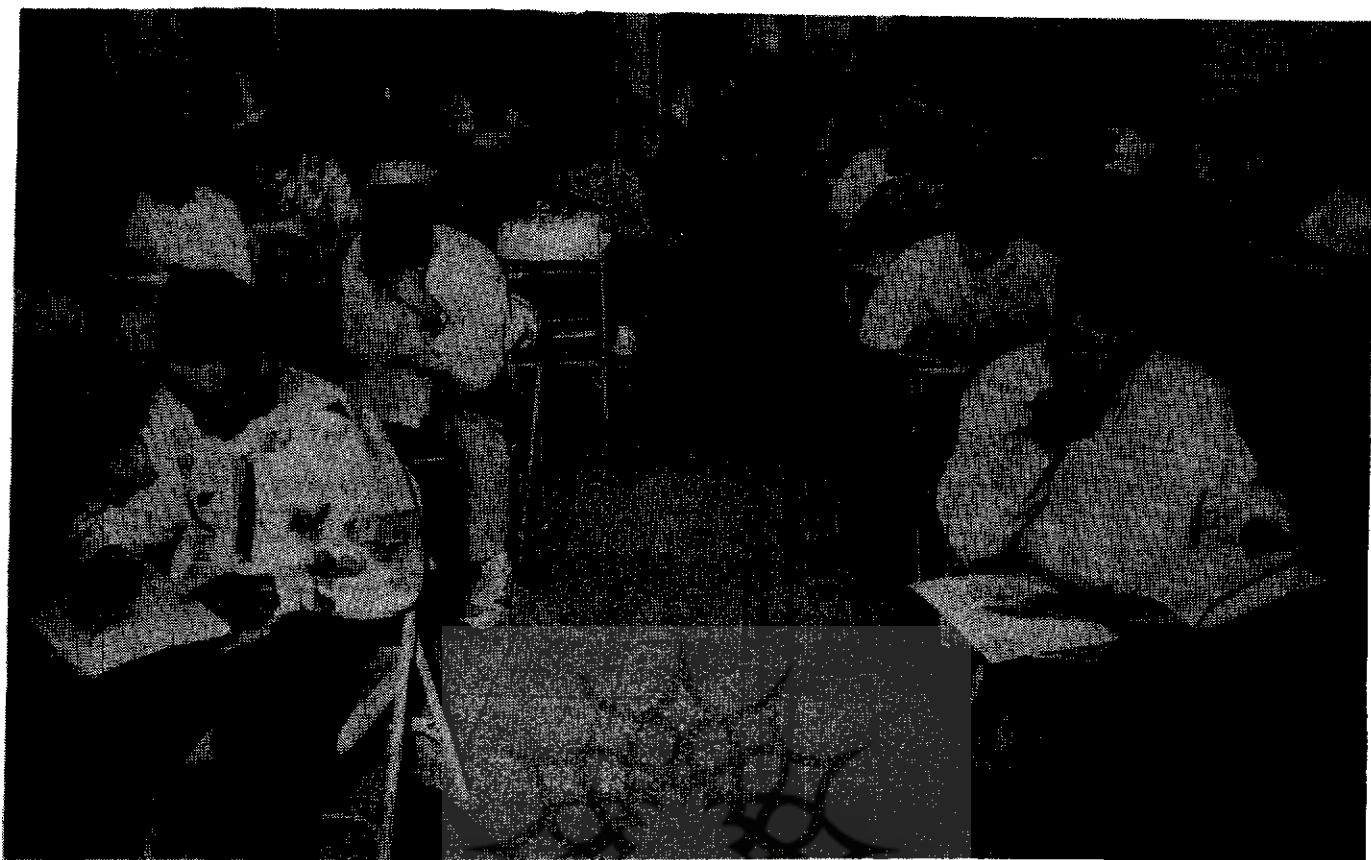
با نگاهی به جدول شماره (۲) و دقت

مشارکت نیروی کار از ۴۲/۶ به ۳۸/۱ درصد کاهش یافته است. مفهوم این کاهش این است که طی دوره یادشده، خیل عظیمی از جوانان با گسترش مراکز آموزش عالی و افزایش ناهمگون ظرفیت دانشگاهها و جاذبه تحصیلات عالی به جای ورود به بازار کار راهی مؤسسات آموزش عالی و دانشگاهها شده‌اند که به‌طور طبیعی اثرات منفی ساختار جدید در سالهای پس از ۱۳۷۵ به شکل فزاینده‌ای در افزایش نرخ بیکاری طبقات تحصیل کرده ظهور خواهد کرد. با استفاده از ارقام ستون جمعیت فعال و با انجام یک محاسبه نتیجه می‌گیریم که نرخ رشد عرضه نیروی کار در طول سالهای (۷۰ - ۱۳۵۵) حدوداً معادل ۳/۷ درصد بوده است.

در جدول شماره (۲) تصویر جمعیت و اشتغال کشور در طول برنامه دوم توسعه اقتصادی، تغییرات نرخ مشارکت عمومی

جمعیت خواهیم پرداخت نکته حائز اهمیت این است که در طول دوره ۶۵-۱۳۵۵ به علت رشد فزاینده جمعیت، ترکیب سنی جمعیت بیش از اندازه جوان گردیده است که اثرات تناوبی این ساختار جوان در سالهای بلافاصله پس از ۱۳۷۵ که به تدریج متولدین سالهای ۶۵ - ۱۳۵۵ به سن ازدواج می‌رسند به شکل افزایش مجدد نرخ رشد جمعیت بروز خواهد نمود و علی‌رغم اجرای برنامه‌های موفقیت‌آمیز تنظیم خانواده، حداقل تا دو دهه ادامه خواهد یافت.

نکته قابل توجه دیگر در جدول شماره (۱) این است که تعداد افراد شاغل در طول تمام دوره‌ها (۷۰ - ۱۳۵۵) از نرخ رشد نسبتاً سریعی (معادل ۱/۴۸ برابر) برخوردار بوده است، لیکن با رشد کل جمعیت ۱۰ ساله به بالا در طول همین دوره که ۱/۷ برابر شده است، نرخ



در ستون مربوط به نرخ بیکاری در میهن اسلامی به این نتیجه می‌رسیم که در سال ۹۶ نرخ بیکاری جمهوری اسلامی علی‌رغم برخورداری از یک ساختار جوان در ترکیب جمعیت فعال، از ۸ کشور عضو جامعه اروپا یعنی کشورهای بلژیک، اسپانیا، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، فنلاند و سوئد کمتر بوده و معادل نرخ بیکاری در کشور آلمان است.

با بررسی جدول شماره (۴) مربوط به تصویر اشتغال و بیکاری مردان و زنان در کشور ایتالیا، مشاهده می‌کنیم که نرخ بیکاری مردان و زنان کشور ایتالیا بیش از نرخ بیکاری در کشور جمهوری اسلامی و تعداد بیکاران این کشور حتی بدون

احتساب افرادی که بنا به هر دلیلی از شغل فعلی خود راضی نبوده و به دنبال کار مورد علاقه خود می‌گردند به مراتب از تعداد بیکاران ایران اسلامی بیشتر است. علی‌هذا با عنایت به آرمان‌خواهی جمهوری اسلامی در طرح اشتغال ارائه شده تلاش بر این است که بتوان با اجرای طرح استراتژیک پرهیز از بحران بیکاری در دهه آتی، از رشد ناهمگون نرخ بیکاری جلوگیری نمود. بدون تردید اجرای طرح مذکور با مشارکت مجدانه تمامی دولتمردان و دلسوختگان نظام مقدس جمهوری اسلامی و تحت نظارت عالی و مستمر ریاست محترم جمهوری ظرف مدتی کمتر از یک دهه درخت تنومند و

طیبه اشتغال را بارور خواهد نمود که میوه‌های عطرانگیز و روح‌بخش آن در نمودار شماره (۱) مشاهده می‌گردد. برخی از اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که توسعه خود نهایتاً به اشتغال خواهد انجامید، تجربه کشورهای توسعه‌یافته پس از جنگ جهانی دوم و به‌خصوص در دهه‌های اخیر گویای این واقعیت تلخ است که امر توسعه در این کشورها نه تنها به اشتغال کامل نینجامیده، بلکه برعکس، افزایش شکاف فقر و ثروت، افزایش نرخ بیکاری، و ناهنجاریهای مخرب فرهنگی از تبعات سوء توسعه‌یافتگی در این قبیل کشورها به‌شمار می‌رود. به‌طور مثال کشور ایتالیا یک کشور توسعه‌یافته می‌باشد،

جدول شماره (۲) تصویر جمعیت و اشتغال کشور در طول برنامه دوم توسعه

سال	جمعیت کل	جمعیت فعال	نرخ مشارکت عمومی	افراد شاغل	افراد بیکار	نرخ بیکاری به درصد	بار تکفل
۱۳۷۳	۵۶۲۲۹	۱۵۰۸۹	۲۶/۸۳	۱۴۲۱۲	۸۷۷	۵/۸	۲/۹۵
۱۳۷۴	۵۷۳۱۹	۱۵۶۴۸	۲۷/۲۹	۱۴۶۰۶	۱۰۴۲	۶/۶۵	۲/۶۶
۱۳۷۵	۵۸۴۳۰	۱۶۲۰۶	۲۷/۷۳	۱۴۹۹۷	۱۰۲۹	۷/۵	۲/۶
۱۳۷۶	۵۹۵۰۲	۱۶۷۶۴	۲۸/۰۳	۱۵۳۸۸	۱۳۷۶	۸/۲	۲/۵۵
۱۳۷	۶۰۶۳۰	۱۷۳۲۲	۲۸/۵۷	۱۵۷۷۹	۱۵۴۳	۸/۹	۲/۸۴

تذکر: اکثر جداول مربوط به تصویر جمعیت و اشتغال کشور به علت استفاده از آمار غیر واقعی در رابطه با جمعیت کل، در محاسبه سایر پارامترهای مهم از جمله: نرخ عرضه نیروی کار، نرخ اشتغال، میزان جمعیت فعال، شاغلین، بیکاران و نرخ بیکاری مرتکب خطا شده‌اند. لذا این جدول براساس اعلام آخرین و دقیقترین نتیجه سرشماری جمعیت کشور در سال ۷۶ که از طرف مرکز آمار ایران ۵۹۵۰۰ هزار نفر اعلام گردیده است، محاسبه شده است.

لیکن به موازات توسعه یافتگی نه تنها نرخ بیکاری در آن کاهش نیافته است، بلکه با مشاهده ستون (۹) افقی جدول شماره (۴) نرخ بیکاری این کشور از سال ۱۹۹۲ مرتباً رو به افزایش بوده است. نرخ بیکاری کشور فرانسه (جدول شماره ۳) گویای این واقعیت است که در کشور فرانسه از هر ۸ نفر فرانسوی فعال، یک نفر در بیکاری به سر می‌برد. تعداد کل بیکاران فرانسه در سال ۹۶ حدوداً ۳ میلیون و ۳۸۳ هزار نفر بوده است که در مقایسه با تعداد بیکاران ایران اسلامی، ۱۳۷۶۰۰۰ نفر در سال ۷۶ (جدول شماره ۲)، تعداد بیکاران کشور یادشده بیش از دو برابر بیکاران جمهوری اسلامی است.

داده‌ها دارد

جدول شماره (۳) نرخ بیکاری کشورهای جامعه اروپا در سال ۱۹۹۶ به نقل از مرکز آمار اروپا EURO STAT (تنظیم شده به‌طور فصلی)

	انگلستان	سوئد	فنلاند	پرتغال	اتریش	هلند	لوگزامبورگ	ایتالیا	ایرلند	فرانسه	اسپانیا	آلمان	دانمارک	بلژیک	EU کشورهای عضو اروپا	جمع
مردان	۸/۳	۱۰/۱	۱۶/۳	۷/۲	۴/۱	۶/۸	۳/۱	۱۲/۱	۱۲/۵	۱۱/۷	۲۱	۸/۹	۶/۳	۹/۷	۱۰/۷	۱۰/۷
زنان	۹/۶	۱۰/۶	۱۶/۴	۶/۱	۳/۱	۵/۴	۲/۲	۹/۵	۱۲/۱	۹/۸	۱۶/۷	۷/۹	۵/۱	۷/۶	۱۲/۷	۱۲/۷
	۶/۵	۹/۴	۱۶/۲	۸/۵	۵/۴	۸/۹	۴/۸	۱۶/۵	۱۳/۲	۱۴	۲۸/۷	۱۰/۲	۷/۹	۱۲/۷	۱۲/۷	۱۲/۷

جدول شماره (۴) تصویر اشتغال و بیکاری کشور ایتالیا

سال	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵
پارامترهای اشتغال و بیکاری				
جمعیت کل	۵۶۷۵۷	۵۶۹۶۰	۵۷۱۳۸	۵۷۲۶۹
تعداد شاغلین مرد	۲۰۷۰۱	۲۰۳۲۷	۲۰۰۰۵	۲۰۰۸۶
جمعیت فعال یا نیروی کار مردان	۲۲۸۹۵	۲۲۸۷۱	۲۲۷۱۰	۲۲۸۵۵
بیکاران مرد	۷۳۴	۹۱۹	۱۰۰۴	۹۹۵
مردانی که برای اولین بار دنبال کار می‌گردند	۹۶۱	۱۰۹۸	۱۱۴۱	۱۲۰۲
مردانی که از کار فعلی راضی نبوده و دنبال کار مورد علاقه خود می‌گردند	۲۹۹	۵۲۵	۵۶۰	۵۷۲
کل جویندگان کار (مرد)	۲۱۹۴	۲۵۴۲	۲۷۰۵	۲۷۶۹
نرخ فعالیت مردان	۲۸/۴	۲۸	۲۷/۴	۲۷/۶
نرخ بیکاری در مردان	۹/۶	۱۱/۱	۱۱/۹	۱۲/۱
تعداد شاغلین زن	۷۲۲۷	۷۱۰۷	۷۰۲۸	۷۱۰۴
جمعیت فعال یا نیروی کار زنان	۱۲۰۱	۱۳۳۶	۱۳۹۱	۱۴۵۱
بیکاران زن	۳۲۶	۳۸۴	۳۹۶	۴۰۲
زنانی که برای اولین بار دنبال کار می‌گردند	۳۷۰	۵۲۳	۵۳۴	۵۹۱
زنانی که از کار فعلی راضی نبوده و دنبال کار مورد علاقه خود می‌گردند	۴۰۵	۴۲۹	۴۵۱	۴۵۸
جمعیت فعال یا کل نیروی کار زنان	۸۴۲۸	۸۴۴۳	۸۴۱۹	۸۵۵۵
نرخ فعالیت زنان	۳۴/۳	۳۳/۱	۳۳/۹	۳۴/۴
نرخ بیکاری زنان	۱۴/۳	۱۵/۸	۱۶/۵	۱۷

نمودار شماره (۱) «چارت میوه اشتغال کامل»

